

تأثیر دینداری در جلوگیری از ارتکاب جرم و بزهکاری در نوجوانان

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۲۸)

یوکابد رضایی

چکیده

در تاریخ بشریت هرگز جامعه ای وجود نداشته که اعتقاد به هیچ نوع دینی نداشته باشد. تمامی ابناء بشر باور به وجود امور فراطبیعی و قدسی داشته اند. حتی سرخپوستان استرالیا و آمریکای شمالی و قبایل بدوی آمازون نیز، به نوعی پرستش در میان رفتار آنان دیده می شود. همواره تدابیر پیشگیرانه با توجه به کارایی و موفقیت نسبی در مهار و یا کم کردن آمار بزهکاری نقایص و خلاءهای فراوانی نیز در خود دارند. اما نهاد دین با توجه به همخوانی با فطرت و عقل و طبیعت انسانی و با توسل به مکانیزم هایی باور پذیر و کاربردی می تواند نقش موثر و کم نقصی در تعدیل گرایشات مجرمانه و پیشگیری موثر از وقوع جرائم ایفا نماید. این مکانیزم ها سعی در جاذبه زدایی از جرائم و برهم زدن معادلات مجرمانه گاه بوسیله بشارت به امری سودمندتر از جرم و یا ترسی شدیدتر از مجازات، به نحو بازدارنده ای اهداف پیشگیرانه جرم شناسی و جرم شناسان را دل خود دارند. به نحوی که فرد هیچ نسبتی با جرم برقرار نمی کند و اگر هم مرتکب جرمی گردد به یک تناقض در درون خود می رسد.

واژگان کلیدی: باور، دین، گرایش مجرمانه، میل به ارتکاب جرم، دینداری، تقوای الهی،

هوای نفس

بخش اول: بررسی و شناخت باور و اعتقاد دینی

در پاسخ اینکه چرا ما باید باور دینی داشته باشیم باید گفت که، دین به ما چیزی می دهد که از هیچ قدرت دیگری قابل دریافت نیست. دین و باور دینی به افراد این قدرت را می دهد تا در مقابل ناملایمات و سختی های زندگی با آرامش و اطمینان بیشتری برخورد کنند، امید به یک آینده بهتر را برایشان ترسیم می کند، راهکارهای عملی برای زندگی بهتر به آنان می دهد. نقش برجسته دین بر خلاف فلسفه و اخلاق و امور عقلی دیگر و یا مسائل فرهنگی در این است که دین یک ارتباط زنده و واقعی با نیروها و قدرت های مافوق بشری ترسیم می کند و از این طریق رضایت خاطر این افراد را جلب می نماید.^۱ بسیاری از آنان امور این دنیا را نیز به دست نیروهایی ورای این دنیای خاکی می دانند. خواه به دین و امور دینی اعتقاد داشته باشیم خواه نداشته باشیم مواردی چون میل به جاودانگی، زندگی بعد از مرگ، فلسفه زندگی، هدف انسان، نیاز های معنوی، سختی ها و ناگواریهای زندگی عدم پاسخ کامل نیازهای بشری با مکاتب مادی و... بسیاری از موارد دیگر ضرورت وجود دین و اعتقاد به باورهای دینی را در درون ما الزامی می سازد. باور دینی به معنای استنباط از شواهد کشف شده و شهود در ساختار جهان یا در مسیر تجربیات انسان نیست زیرا همواره تجربیات انسان به لحاظ نظری دچار ابهام هستند، بلکه بر تعبیری غیر آگاهانه از محیط تکیه دارند، بدین نحو که آن معنایی آگاهانه تجربه می شود که دارای زبان دینی است و از رهگذر دین معنا می شود. فرد معتقد با چنین تعبیری تجربی دست به یک انتخاب شناختی می زند. داشتن باورهایی که بتوان به آن اعتماد کرد و آن را تکیه گاه خود ساخت. امور ارزشمندی که به انسان ارزش بدهد و خود را وابسته به آن بداند.. مثلاً پزشکی می تواند مدعی شود که فلان سلول یا فلان عامل دارای خواص زیادی

^۱ هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات نشر علم، چاپ هجدهم، ۱۳۸۸، صفحه ۲۰

^۲ مالرب، میشل، انسان و ادیان (نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی)، ترجمه مهراں توکلی، تهران، انتشارات نشر نی، ۱۳۷۹، صفحه ۱۱

^۳ عقلانیت و باور دینی، جان هیک، مترجمین، فکور، ع؛ صادقی، هادی، نشریه بازتاب اندیشه، اردیبهشت ۱۳۸۶، شماره

است. ولی عقیده زمانی می تواند موثر باشد و شخص درباره آن سخن بگوید که خود فرد کنکاش و جستجو کرده و با چون و چرا آن را بدست آورده باشد. مثلاً یک فرد مذهبی در مورد یک حدیث یا شنیده خود فکر می کند و با تحقیق و تفحص درباره صحت آن در مقام نفی یا اثبات آن بر می آید و اگر نظرش مثبت باشد به آن اعتقاد پیدا می کند. باور دینی می تواند به هر امر ماورائی و خارج از دنیای مادی اطلاق گردد. اما آن چیزی که اصیل است و مراد ما از باور دینی و خود دین است ادیان ابراهیمی و باورهای توحیدی خصوصاً اسلام است. باورهایی مانند: اعتقاد به خداوند به عنوان عالم و قادر و آفریدگار مطلق، اعتقاد به معاد، اعتقاد به عدل الهی، اعتقاد به نبوت پیامبر و دیگر موارد اعتقاد دینی که شامل این موارد می گردد. به اعتقاد سوئین برن در هر باور دینی، دلایلی عقلانی موجود است. زیرا برای هر مومن و باورمندی ضروری است که دین و مسلکی را که انتخاب نموده است صادق و حقیقی بداند. او مانند کانت معتقد است بین عقل و ایمان سازگاری کامل وجود دارد. از نظر او: «اهمیت باور به خدا در صورتی که خدا وجود داشته باشد از باور نداشتن به خدا در صورتی که خدایی نباشد بیشتر است. (به دلیل تکالیف و منافع بیشتر باور اول)» او معتقد است زمینه آگاهی و علم فراتر از مشهودات حسی است و دانش تنها منحصر به امور حسی نیست و معتقد است که خدایی که توسط فلاسفه و برهان های آنان ثابت می شود با خدای مسیحیت متفاوت است. و با نقد نظر جان هیک که معتقد است باورهای مذهبی باورهایی است که با عقل قابل اثبات نیست، به یک نوع آزادی معرفتی معتقد است که در آن انسان ها باید در پژوهش عقلی و بر اساس شواهد به دست آمده و با سعی و تلاش به باور به خدا برسند.^۳

بخش دوم: پیشگیری و تعدیل گرایش های مجرمانه

^۱ چینیان، شه میرزادی، عبدالحسین، انسان از خدا جدا نیست، تهران، انتشارات راستی نو، ۱۳۸۶، صفحه ۱۲۲

^۲ nameh-i-hikmat.sadiqjournals.ir

^۳ رسول، رسولی پور، باور دینی، مجله کتاب ماه دین، شماره ۱۳۵، دی ۱۳۸۷، صفحه ۸۷ قابل دسترسی در پایگاه

موضوع پدیده جنایی جرم و انحراف است. هر جا صحبت از پدیده جنایی می شود علاوه بر جرم انحراف هم مورد بررسی قرار می گیرد. جرم (CRIME): در واقع تعریف جامع و کاملی از جرم وجود ندارد اما در یک تعریف کلی جرم را رفتاری در نظر می گیرند که به تخلف از هر قانونی که برای آن عمل مجازات هایی در نظر گرفته است می پردازد. به طور کلی هر رفتار ضد اجتماعی که به افراد ضرر می رساند جرم محسوب می شود.^۱ در تعریف انحراف (DEVIANCE) نیز نظریات گوناگونی مطرح شده و تعاریف متفاوت آن رسیدن به یک تعریف واحد را ناممکن می سازد. علت آنهم این است که در هر جامعه ای مفهوم انحراف متفاوت با جامعه دیگر می باشد. مثلاً در جامعه هایی مثل ما یا کشورهای اسلامی استعمال مشروبات الکلی یک انحراف است ولی در آمریکا این عمل انحراف محسوب نمی شود. البته نکته ای که در انحراف مهم است عدم تعیین شرایط قطعی برای حالت خطر آفرین است بنابراین دارای چهارچوب خاص که قابل انطباق برای همه افراد باشد نیست.^۲

بند اول: مفهوم پیشگیری و تعدیل گرایش های مجرمانه

تعدیل در لغت به معنای راست کردن، درست کردن، راست کردن یا درست کردن چیزی، برابری و صحت و عدالت، برابر کردن ترازو و کیل آمده است.^۳ پیشگیری به معنای لغوی به معنای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته است و فرآیندی عقلانی است که گذشت زمان درستی و نادرستی آن را نشان خواهد داد. "شرمن" عقیده دارد که هر رویدادی که اعمال بشود و نتیجه آن نشان بدهد که از بزهکاری و آمار آن کاسته شده است آن رویداد را می توان

^۱ محسنی، منوچهر، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، انتشارات طهوری، چاپ ششم، ۱۳۸۶، صفحه ۱۰۶) _ (* برای مطالعه بیشتر ر. ک به، وایت، راب، هینز، فیونا، جرم و جرم شناسی متن درسی نظریه های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۵، صفحه ۴۶)

^۲ فرج الهی، رضا، جرم شناسی و مسئولیت کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹، صفحه ۱۴۰ (* ر. ک نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر داد آفرین، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، صفحه ۴۲)

^۳ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد پنجم، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷، صفحه ۶۸۰۲

عاملی پیشگیرانه دانست.^۱ جوامع بشری از همان بدو آغاز خود با مسئله غامض و پیچیده ای با عنوان بزه مواجه بوده اند. اصل بزه به عنوان یک واقعیتی که در همه جوامع وجود داشته انکار ناپذیر است اما در هر دوره به نوعی در برابر آن واکنش نشان داده شده است. فلسفه و نوع پاسخ ها از جامعه ای به جامعه دیگر و از دوره ای به دوره دیگر متفاوت بوده است. ولی به طور کلی پاسخ ها دو نوع بوده اند: «کنشی و واکنشی». بشر از دیرباز پیشگیری از جرم را مد نظر داشته اما به صورت علمی و آکامیک جرم شناسی در قرن نوزدهم پا به عرصه وجود گذاشت و در اوایل دهه ۷۰ میلادی بود که «جرم شناسی پیشگیری» به عنوان رشته ای خاص، درون جرم شناسی نظری مطرح شد. دلیل آنهم عدم کارآمدی دستگاه عدالت کیفری و روشهای سرکوبگر و کنشی در قبال جرائم، آمار رو به افزایش جرائم، و نگرانی های عمومی بوده بود. کلمه پیشگیری شامل دو بعد مضاعف و دارای دو مفهوم موسع و مضیق است که هم شامل پیشگیری کردن و هم شامل جلو رفتن و آگاهی دادن است. در جرم شناسی، پیشگیری به معنای جلوی تبهکاری رفتن و مانعی برای انجام بزه آمده است. مفهوم موسع آن شامل هر اقدامی که بر علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد می شود. در این مفهوم چه تدابیر کیفری و چه غیر کیفری، چه قبل از وقوع جرم و چه بعد از وقوع آن پیشگیری محسوب می شود. اما در مفهوم مضیق پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی به منظور حذف و یا محدود کردن و یا مدیریت عوامل جرم زا به کار می رود و شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره می باشد. به این ترتیب در مفهوم مضیق پیشگیری کیفری از پیشگیری غیر کیفری جدا شده و فقط اقدامات و تدابیر غیر کیفری را شامل می شود.^۲ به طور کلی وقتی صحبت از پیشگیری می شود منظور کم کردن و به حداقل رساندن وسعت و شدت ارتکاب جرم است خواه این

^۱ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی پیشگیری، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، نیم سال دوم تحصیلی، ۱۳۸۱-۱۳۸۲، صفحه ۱۵۸

^۲ شاو، مارگوت، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، ترجمه عبدالرضا جوان جعفری، سید مهدی سیدزاده ثانی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۱۴

^۳ حیدری، حمیدرضا، پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم، ماهنامه اصلاح و تربیت، انتشارات راه تربیت، سال یازدهم، شماره ۱۳۸، آبان ۱۳۹۲، صفحه ۳۶

موضوع بوسیله کاهش فرصتها یا موقعیتهای ارتکاب جرم با استفاده از مکانیزم های پیشگیری باشد خواه با تحت تاثیر قرار دادن مجرمان و کسانی که مستعد ارتکاب جرم هستند باشد. از نظر دکتر اردبیلی: «پیشگیری فرآیندی است عقلی که تجربه درستی یا نادرستی آن را عیان می کند. در واقع پیشرفت و کمال سیاست پیشگیری در گرو تجدید نظر شیوه ها و کارهایی است که در تامین هدفهای پیشگیری به کار می رود»^۱ مفهوم پیشگیری بر پایه این نکته بنا می شود که در پیدایش و وقوع یک جرم و همینطور بزه عوامل بسیاری دخیل هستند که هر کدام از آنها در بوجود آمدن بزه ارتكابی سهمی را بر عهده دارند. شرایط اقتصادی، اجتماعی، محیطی که فرد در آن رشد می کند، انگیزه های مرتکب، موقعیت ها و فرصت های تسهیل کننده جرم، بیکاری، دسترسی آسان به مواد مخدر، فقر، سرکوبهای عاطفی و بسیاری دیگر از این عوامل در بوجود آمدن این پدیده ضد اجتماعی موثرند. ما می توانیم پس از تعیین نقش هر یک از این عوامل با انجام راهکارها و اتخاذ تدابیر مناسب آنها را تغییر داده و از ارتکاب آن پیشگیری یا حداقل وقوع آن را کاهش دهیم.^۲

بخش سوم: انواع پیشگیری و جلوگیری از ارتکاب جرم و بزهکاری

در جوامع قدیم به علت نبودن آموزش یا فرهنگ و با داشتن باورهای غلط و انتقامی، یگانه راه مقابله با جرائم مجازات بود و گمان داشتند که با اعمال مجازات از میزان جرم کم شده و افراد از مجازات اشخاص دیگر عبرت می گیرند. به طور کلی جرم شناسان پیشگیری را به دو دسته پیشگیری کیفری و پیشگیری غیر کیفری تقسیم می کنند. در پیشگیری کیفری که کهن ترین وسیله برای پیشگیری و مانعی برای ارتکاب جرم بوده است، بوسیله ترساندن با اعمال مجازات به عنوان یک عامل بازدارنده و پیشگیر از ارتکاب جرم توسط افراد یاد می شود. ولی در

^۱ اردبیلی، محمد علی، پیشگیری از اعتیاد، به نقل از کریمایی، علی اعظم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسالی نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران، شرکت ناجی نشر، چاپ

اول، ۱۳۸۹، صفحه ۴۰۵

^۲ شاو، مارگوت، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، صفحه ۳۸

پیشگیری غیر کیفری بر مجموعه تدابیر و اقداماتی برای جلوگیری از وقوع یا تکرار جرم با توسل بر روشهای غیر کیفری تاکید می شود. بعضی ها از جرم شناسان عقیده دارند که قدیمی ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. به این معنا که در گذشته اعتقاد داشتند در مورد اطفال و کودکان بزهکار و دارای انحراف باید از تدابیر آموزش و باز پروری استفاده کرد. زیرا هنوز شخصیت آنها شکل نگرفته و هنوز می توان با آموزش و تعلیم آنان را به جامعه باز گرداند و برخورد قهری نیاز نیست. اما در مورد بزرگسالان به دلیل اینکه شخصیت آنان شکل گرفته است باید از مجازاتها و عوامل ارباب برانگیز استفاده نمود. از نظر سازمان ملل پیشگیری از جرم به چهار دسته تقسیم می شود: ۱- پیشگیری از جرم توسعه مدار، ۲- پیشگیری از جرم محله مدار، ۳- پیشگیری وضعی ۴- پیشگیری از جرم از طریق بازپروری.

۱- پیشگیری از جرم توسعه مدار: این مدل پیشگیری بر مبنای رشد توسعه فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، تربیتی و بهداشتی از طریق اجرای برنامه های فرهنگی، آموزشی، اجتماعی به منظور بالا بردن آگاهی و آموزش مردم در جهت رشد کودکان و نوجوانان و آشنایی مردم با مواردی که زندگی فردی و اجتماعی آنان را تهدید می کند می شود.

۲- پیشگیری محله مدار: این نوع از پیشگیری به جای تمرکز بر افراد و آموزش آنها توسعه فکری، اماکن و محله هایی که امکان وقوع جرم در آنها بالاست را هدف قرار می دهد. از جمله مناطق محروم که جرم خیزی در این نواحی و استعداد وقوع جرم بیشتر از مکانهای دیگر است. از راهکارهایی که این مدل پیشگیری دارد توسعه امکانات و سخت افزار و بالا بردن سطح خدمات است. مثلاً ایجاد پارک یا تفریحگاه ها برای جوانان آن منطقه و بالا بردن سطح بهداشت و درمان برای خانواده ها از این دست امور می باشد.

^۱ کریمائی، علی اعظم، پیشگیری وضعی اختصاصی از جرائم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسال نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران، شرکت ناجی نشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، صفحه ۴۰۶

۳- پیشگیری وضعی: منظور کم کردن فرصت ها و امکان وقوع بزه است که افراد با استفاده از آنها مرتکب جرم می گردند. مانند ایجاد دوربین مدار بسته در فروشگاه ها و یا گشتهای پلیسی که از نمونه های پیشگیری وضعی به شمار می رود.

۴- برنامه های بازپروری: منظور کلیه برنامه هایی است که در جهت اصلاح و اجتماعی کردن دوباره مجرم برای بازگشت او به جامعه انجام می گیرد. البته بعضی از علما تقسیمات دیگری مثل پیشگیری مرتکب مدار و پیشگیری بزه دیده مدار، پیشگیری دفاعی و پیشگیری رهایی بخش، پیشگیری بر اساس سن افراد و دیگر تقسیم بندی ها اشاره کرده اند که چندان مورد توجه قرار نگرفته است. ^۱ ولی ما در این پژوهش به پیشگیری از جرم بر اساس معیار ذهن، پیشگیری عمومی و اختصاصی، پیشگیری فعال و انفعالی، پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث و پیشگیری وضعی و اجتماعی که طبقه بندی متداولی در پیشگیری از جرم است می پردازیم.

بند اول: پیشگیری بر اساس معیار ذهن

تقسیم بندی محیطی به دو نوع محیط عینی و محیط ذهنی تقسیم می شود. محیط عینی همان محیط بیرونی و واقعی و به اعتباری شخصی و نوعی است. یعنی شامل تمام مواردی که در بیرون از وجود آدمی و در عالم پیرامون او وجود دارد می شود. محیط ذهنی در واقع قوه ادراکی یا تخیلی اشخاص در ذهن است که در درون آدمی وجود دارد. انسان درکی که از عالم واقع دارد به صورت تصویر ها یا تصوراتی در ذهن او نقش می بندد. بسیاری از عوامل در شکل دهی و جهت دهی به محیط ذهنی نقش ایفا می کنند که هر کدام از آنها ممکن است تصور ما را از محیط پیرامون خود بسازد. مانند: سینما، رسانه، مطبوعات، روابط اجتماعی و... بحثی که در اینجا مهم است این است که همانطور که داشتن یک محیط امن و سالم در پیشرفت و تعالی فردی و شکوفایی استعداد افراد جامعه بسیار موثر است و هر چه جامعه امن تر

^۱ شاو، مارگوت، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، صفحه ۴۴-۴۷

^۲ زراعت، عباس، درآمدی بر علوم جنایی، تهران، انتشارات جاودانه (جنگل)، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۲۲

آن جامعه دارای پیشرفت و شکوفایی بیشتری خواهد بود به همان نسبت هم باید به محیط ذهنی و ایجاد امنیت برای این محیط توجه داشت. عموماً جرم شناسان شرط اساسی و عامل اصلی وقوع جرائم را محیط ذهنی مجرم می دانند. یعنی نطفه یک عمل مجرمانه در ذهن و روان فرد شکل می گیرد. هرچه ذهن محیط امن تری داشته باشد امکان وقوع جرم به مراتب کمتر از ذهنی است که دائماً مضطرب است و درگیر انواع خواسته های بیجا و گره های روانی است. ممکن است که حتی محیط ناامن باشد اما ذهن فرد از یک شرایط آرام و امنی برخوردار باشد در این مواقع هم امکان وقوع جرم به شدت اندک است. یا برعکس ممکن است محیط سالم و امن باشد ولی ذهن نا آرام و فاقد امنیت لازم و منجر به وقوع جرم گردد. پس نتیجه می گیریم که داشتن یک محیط ذهنی آرام و امن یکی از عوامل مهم بازدارنده در وقوع جرائم است. گفتیم که نطفه یک جرم در ذهن آدمی شکل می گیرد. اگر این جنین ذهنی محیطی برای تغذیه انحرافات و خصایص زشت انسانی نباشد هر فکر مجرمانه و سوء نیتی عقیم خواهد ماند. این ذهن است که با استفاده از داده هایی که از طریق حواس پنج گانه دریافت می دارد آنها را تجزیه و تحلیل و تصمیم نهایی برای انجام عملی می گیرد. هر چه این داده ها پالایش یافته تر و دارای سلامت بیشتر باشد تصمیم درست تر خواهد بود. اما حتی اگر داده های بیرونی نیز دارای آلودگی هایی باشد ولی تربیت ذهن و پرورش آن به گونه ای باشد که به راحتی این آلودگی ها و پلشتی ها را به کناری بزند و بر ضد تحریکات و ترغیبات مجرمانه بتواند تصمیم گیری کند باز هم نتایج پیشگیری را شامل می شود. محیط بیرونی و عینی نیز نمودی از آن چیزی است که در ذهن افراد رخ می دهد. صحنه جامعه بازتاب ذهن افراد است که به صورت عینی و افعال گوناگون نمود پیدا کرده است. در این حالت هر چه محیط زیست انسانی سالم تر و در آن تنش و ناراحتی کمتر باشد به این نتیجه می رسیم که ذهن افراد از آرامش و اطمینان بیشتری برخوردار است. هر چه که محیط ذهن را به سمت باورهای مثبت و تلقینات درست هدایت کنیم نتایج بهتر و مثبت تری نیز در جهت پیشگیری از جرائم خواهیم گرفت.

^۱ احسانی، بهمن، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسالی نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران، شرکت ناجی نشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، صفحه ۴۸-۴۹

بند دوم: پیشگیری عمومی و اختصاصی

پیشگیری عمومی از جرم به طور کلی عوامل عمومی بزهکاری مثل فقر، فرهنگ، اجتماع را مورد تحلیل قرار می دهد و نظر به جرم خاصی ندارد. ولی در تعریفی گویا پیشگیری اختصاصی به عوامل خاص تر و نزدیکتر جرم می پردازد و جرم خاصی را مدنظر داشته و اهداف کلان و نهادهای عمومی را مورد بررسی قرار نمی دهد. در نظریه سودمندی کیفر انریکو فری درباره آثار مفید اجرای کیفر می نویسد، کیفر باید متضمن سه نوع فایده باشد: ۱- پیشگیری عمومی (که به آن پیشگیری گروهی نیز می گویند، برای ارباب کسانی که آماجگی جرم را دارند) ۲- پیشگیری اختصاصی (برای جلوگیری محکوم علیه از تکرار جرم) ۳- پیشگیری غیر مستقیم (به نشانه تشویق انسانهای درستکار و تشدید تنفر از جرم) ۴- پیشگیری عام کیفری هدف استفاده از جنبه های ارباب آمیز و بازدارنده حقوق کیفری خصوصاً مجازات هاست. استدلال هم این است که ترس از دستگیری و مجازات و شدت آن و محرومیت های اجتماعی و برجسب هایی که برای فرد دارد همه باعث می شود که هزینه انجام جرم برای افراد بالا رود و مجرم را از ارتکاب جرم منصرف نماید. زیرا در صورت نبودن مجازات ممکن است که مجرمان وسوسه شوند و به ارتکاب جرم دست بزنند. پس اعمال کیفر می تواند به عنوان یک عامل پیشگیر در عدم ارتکاب جرائم باشد که از جمله اهداف عام پیشگیری است. در پیشگیری اختصاصی از نزدیک با جرایم روبرو می گردند و در هر مورد از جرم راهکارهای پیشگیرانه اختصاصی ارائه می نمایند. در تعریف خاص پیشگیری از جرم، جرم شناسان نظرات متفاوتی دارند:

۱- عده ای معتقدند که پیشگیری خاص از بزهکاری عبارت از این است که در آن عوامل جرم را از بین می رود آنهم از طریق وسایل و ابزاری که دولت و جامعه مدنی به منظور مهار خاص بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم را و یا مدیریت مناسب عوامل

محیطی و اجتماعی به کار می گیرند. در این پیشگیری خاص باید عوامل جرم را نشانه گذاری شده و از بین برود یا با مدیریت مناسب اماکن و اجتماع مستعد بزه عوامل مستوجب جرم را به کنترل خود در آورد.

۲- برخی دیگر معتقدند پیشگیری خاص عبارت از تدابیری خاص است که ارتکاب جرم از سوی بزهکاران را کم می کند. در این نوع از پیشگیری از یکسو علل اثرگذار بر روی جرم را شناسایی کرده و بعد از آن تدابیر لازم برای مبارزه و از بین بردن این علل را اعمال می کنند. نکته ای که اینجا باید گفته شود این است که در این نوع پیشگیری به موشکافی دقیق در علل به وجود آورنده یک جرم می پردازند و با ارائه راه حل سعی در جلوگیری از وقوع آن می نمایند.

۳- گروه دیگری معتقدند که این نوع از پیشگیری مجموعه اقدامات غیر قهرآمیزی است که برای تحقق هدفی ویژه یعنی مهار بزهکاری، کاهش تعداد جرائم و در نهایت کاهش شدت بزه از طریق تاثیر گذاری بر عوامل و علل وقوع بزه انجام می گیرد.

۴- عده ای معتقدند که پیشگیری هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن محدود کردن عوامل جرم را و به حداقل رساندن امکان وقوع جرم از طرق غیر ممکن ساختن، دشوار کردن، یا کاهش احتمال آن یا کاهش تشدید آن بدون استفاده از کیفر یا تهدید بوسیله آن است. که تعریفی گسترده تر از سایر تعاریف است.^۱ در پیشگیری کیفری خاص از جرم پیشگیری از تکرار جرم توسط بزهکار مدنظر است، که با اصلاح و بازپروری مجرمین و حرفه آموزی آنها انجام می گیرد. این امر طبق قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۶۵ قانون اساسی از وظایف قوه قضاییه است و ماده ۳ آیین نامه سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز به آن پرداخته است. یعنی از یکسو مجرم هم در حال تحمل مجازات است و از سوی دیگر اقدامات اصلاحی و تربیتی بر روی او اعمال می گردد. اصلاح بزهکار و همونوا کردن آنان با جامعه با

^۱ احسانی، بهمن، مجموعه مقالات ارسالی نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، صفحه ۴۲ و ۴۳

توجه به هنجارهای اجتماعی و قانونی به موجب اصول جرم شناسی کاربردی یا بالینی باید با رعایت اخلاق جرم شناختی باشد.^۱

بند سوم: پیشگیری فعال و انفعالی

این نوع از پیشگیری از اواسط دهه ۶۰ میلادی سده گذشته در جرم شناسی مطرح شده و نخستین ره آورد اجلاس پلیس بین الملل (اینترپل) در خصوص پیشگیری از جرم است. در پیشگیری انفعالی نهاد پیشگیر به نحو ملموسی در صحنه و میدان وقوع جرم حضور ندارد و به سراغ پدیده ها نمی رود و تنها اقدامات هشدار دهنده انجام می دهد که باید مانع از وقوع آنها شد (بر خلاف پیشگیری وضعی که با حضور در صحنه و اعمال تدابیری مانع از وقوع جرم توسط افراد می شد) بلکه به طور انفعالی منتظر ثمربخشی اقدامات خود می ماند. مانند: هشدارهای پلیسی در خصوص مراقبت از اموال و اماکن بر خلاف این نوع از پیشگیری در پیشگیری فعال، نهاد پیشگیر برای جلوگیری از وقوع جرم وارد میدان شده و ابتکار عمل را با اقداماتی از جمله برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت جوانانی که در معرض وقوع جرم هستند به دست می گیرد. در این نوع پیشگیری به صورت عینی و با اعمال مکانیزم های مثبت عملی و حضور در میدان اصلی مبارزه با وقوع جرائم سعی در پیشگیری از وقوع جرم دارد. در این نوع از پیشگیری نهاد پیشگیری کننده به نحو فعال و مستمر حضور دارد و با برنامه های خود و جهت دهی به رفتارهای دیگران مانع از ارتکاب جرم می گردد. در پیشگیری فعال نهاد پیشگیری کننده به صورت مستمر و اثر گذار در صحنه حضور دارد و از ارتکاب جرم جلوگیری می نماید ولی در پیشگیری انفعالی نهاد پیشگیر به ارائه رهنمودها و پیشنهادات می

^۱ ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از وقوع جرم، نیازپور، امیرحسین، تازه های علوم جنایی (مجموعه مقاله ها)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸، صفحه ۵۹۰) (*برای مطالعه بیشتر ر.ک به زرگری، مهدی، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد دامغان، ۱۳۸۸، صفحه ۴۱ و ۴۰

^۲ علی اکبری سفید دارین، ابوذر، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسالی نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران، شرکت ناجی نشر، چاپ اول، ۱۳۸۹، صفحه ۳۶۸

پردازد و خود در خارج از میدان به انتظار نتایج آن می نشیند. در پیشگیری انفعالی از برخورد بصورت مستقیم با افراد جلوگیری می شود و بیشتر تدابیری تربیتی و ارشادی مد نظر است. نهاد پیشگیر در این وضعیت مانند باغبانی می ماند که در زمین ذهن افراد بذره‌های ارشاد و تربیت را می کارد و منتظر ثمردهی افکار سالم و ضد مجرمانه افراد می گردد و با آگاهی دهی به این باغ ذهن آفت های انحراف و جرائم را از بین می برد. عموماً در پیشگیری فعال پلیس محور اصلی این نوع پیشگیری است. که برای اجتماع از وقوع جرائم و جلوگیری از انحرافات در سطح جامعه فعال است. نقش نهاد پلیس به عنوان یک عامل بازدارنده در تدوین برنامه های بلند مدت برای اوقات فراقت جوانان و هدایت و ارشاد آنان برای پیشگیری از وقوع جرم و انحراف بسیار مشهود است. در پیشگیری انفعالی عوامل اجتماعی هیچ تاثیری در بازدارندگی از وقوع جرم ندارند. و نقش نهادهایی مانند پلیس و مراجع قضایی بسیار کمتر است، بلکه بیشتر در انتظار اثر بخشی و نتیجه اقدامات خود می نشینند تا بازدهی آن را مشاهده نمایند.^۱

بند چهارم: پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث

اقدامات مربوط به این مورد در سه مرحله انجام می گیرد. در پیشگیری اولیه جایی که احتمال وقوع جرم می رود ولی هنوز به عینیت نرسیده است ولی خطر بالقوه است. پیشگیری ثانویه مربوط به موردی است که در حال وقوع جرم است و حالت خطرناک بالقوه در حال وقوع است و پیشگیری ثالث که پس از وقوع جرم رخ می دهد و برای جلوگیری از ارتکاب دوباره فرد به جرم و بازپروری او انجام می گیرد. این نوع پیشگیری از علوم بهداشت و درمان گرفته برداری شده است. این تقسیم بندی بدین منظور است که در چه مراحل نظام عدالت کیفری باید به عرصه برخورد با مجرمان وارد شود و در هر مرحله از آن چه پاسخی باید به کسی که برخلاف نظم اجتماعی عمل کرده است بدهد. به تعبیر دیگر چه وقت باید مجازات را اعمال نمود. انواع پیشگیری شامل:

۱- پیشگیری اولیه (PRIMARY PEREVENTION): مجموعه ای از برنامه ها و طرح هایی که هدف از اعمال آن پیشگیری از جرم کسانی است که تا کنون جرمی مرتکب نشده اند. به عنوان مثال: آموزش و افزایش آگاهی جوانان یا خانواده های آنها در مورد زیانها و معضلات و مجازاتهای مربوط به مصرف مواد مخدر یا رابطه جنسی نامشروع اشاره کرد.

۲- پیشگیری ثانویه (SECONDARY PEREVENTION): برنامه ها و طرح هایی برای کسانی که در معرض خطر بزهکاری هستند و یا حالت خطرناک داشته و در آستانه انجام بزه قرار دارند. که اصولاً از سوی مددکاران اجتماعی و یا افرادی که در کانون های اصلاح و تربیت مستقر هستند و یا نظام آموزشی و قضایی انجام می پذیرد.

۳- پیشگیری ثالث (TERTIARY PEREVENTION): به مجموعه برنامه ها و طرح هایی گفته می شود که هدف از اعمال آن پیشگیری از تکرار جرم پس از بازگشتن فرد به جامعه است. خواه این برنامه ها در حین گذران محکومیت کیفری باشد خواه پس از سپری شدن آن باشد.^۱

کاپلان معتقد بود که پیشگیری را باید در سه سطح جست. سطح اول پیشگیری اولیه (اولی) است که در آن با بهبود شرایط زندگی افراد و بالا بردن سطح آن و برآوردن توقعات انسانها و تغییر بعضی از شرایط می توان از بزهکاری پیشگیری نمود. سطح دوم پیشگیری (ثانوی)، به دنبال آن است که با به کارگیری تدابیر مناسب و اقدامات به موقع و برخوردهای زود هنگام با عوامل جرم، از وقوع جرم توسط افرادی که شرایط آنها بحرانی است و هر لحظه امکان جرم از سوی آنان می رود پیشگیری کند. پیشگیری سطح سوم (سومین)، با بازسازی و بازاجتماعی کردن و پرورش بزهکارانی که مرتکب جرم شده اند از ارتکاب مجدد جرم آنان جلوگیری کند. ^۲در

^۱ شاو، مارگوت، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، ترجمه عبدالرضا جوان جعفری، سید مهدی سیدزاده ثانی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۵۴

^۲ الماسی، مجید، پیشگیری از سرقت اموال عمومی به نقل از علی اکبری سفید دارین، ابوذر، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسالی نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، صفحه ۹۰

پیشگیری اولیه تهدیدات به صورت بالقوه است و هنوز علامت خطری پیدا نیست. ولی در پیشگیری ثانویه مواردی از انحراف مشاهده می گردد و در پیشگیری ثالث برای جلوگیری از گسترش مشکلاتی که بوجود آمده است اقداماتی به عمل می آید. این اقدامات پیشگیرانه در سه بخش قبل از وقوع جرم و در حین وقوع جرم و پس از وقوع جرم مورد بررسی قرار می گیرد. در مرحله سوم در حوزه جرم شناسی بالینی قرار می گیرد که اقدامات درمانی برای بازگشتن فرد به اجتماع و درمان حالت مجرمانه برای جلوگیری دوباره او از ارتکاب جرم انجام می گیرد. حالت های قبلی مربوط به جرم شناسی پیشگیرانه است که هنوز جرمی اتفاق نیفتاده است. در پیشگیری اولیه بحثی که مطرح است در خصوص کاستن فرصت های ارتکاب جرم است بدون مراجعه به افرادی که مرتکب جرم می گردند. در این نوع پیشگیری ما با مجرم روبرو نیستیم بلکه یک سلسله از تدابیر و اقداماتی را به کار میگیریم که بوسیله آن با بالا بردن مراقبت و کنترل و ایجاد مانع بر سر راه بزهکاری و برهم زدن سیکل مجرمانه باعث عدم بوجود آمدن جرائم شویم. ولی در پیشگیری ثانویه بیشتر شناسایی افرادی که در معرض ارتکاب جرم قرار دارند مد نظر است که با انجام اقداماتی آنها را از ارتکاب آن جرم باز دارد. در پیشگیری ثالث بر خلاف دو پیشگیری قبلی ما با مجرم روبرو هستیم ولی با انجام عملیات بالینی و کلینیکی بر روی فرد احتمال وقوع جرم در آینده را پایین می آوریم.

بند پنجم: پیشگیری اجتماعی و وضعی

پیشگیری وضعی و اجتماعی دو نوع از انواع مهم پیشگیری است که توجه بسیاری در علم جرم شناسی را به خود مشغول داشته است. در پیشگیری اجتماعی (CRIME SOCIAL PEREVENTION): عامل پیشگیرنده در محیط اجتماعی و شخصی اثر می گذارد و از ارتکاب جرم جلوگیری می کند که خود به دو نوع پیشگیری اجتماعی رشد مدار یا زود هنگام: (که به علل جرم در کودکان و نوجوانان و پیشنهادات و رهنمودهایی برای خانواده و

^۱ زراعت، عباس، درآمدی بر علوم جنایی، تهران، انتشارات جاودانه (جنگل)، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۲۲

آموزش این افراد می پردازد تا از ارتکاب جرم جلوگیری شود) و پیشگیری اجتماعی توسعه مدار یا محیطی: (که عوامل اجتماعی جرم را هدف می گیرد) تقسیم می شود.

پیشگیری وضعی (SITUATIONAL CRIME PREVENTION): که دخالت در وضعیت قبل از جرم از طریق کاهش فرصت، سعی در از بین بردن علل به وجود آمدن آن را دارد. طرح پیشگیری وضعی از جرم به عنوان یک نظریه علمی اصالتاً تاسیسی انگلیسی است که توسط سه نفر به نامهای "کلارک"، "می هیو" و "کرنیش" مطرح شده و توسعه یافته است. این سه تن همواره در آثار خود بر اتخاذ تدابیر مناسب و به کارگیری اقدامات لازم جهت کاهش فرصت ها و موقعیت های بروز رفتار بزهکارانه و تغییر رابطه بین بزهکار، بزه دیده و محیط تاکید کرده اند. میتوان گفت طرح این نظریه خواستگاه انگلیسی دارد. پیشگیری اجتماعی دو نوع است:

الف: پیشگیری اجتماعی جامعه مدار یا محیطی: همانطور که از نام آن پیداست عوامل اجتماعی جرم را در یک جامعه معین هدف قرار می دهد. یعنی با انجام اقداماتی که در این زمینه انجام می شود می کوشد تا زمینه های اجتماعی ارتکاب جرم را برطرف کند تا سبب بروز انگیزه های مجرمانه از بین برود. یعنی بهانه های اجتماعی که ممکن است بزهکار آن را مستمسک و توجیهی برای عمل خود داشته باشد عقیم می کند. به عنوان مثال، با برنامه ریزی و کارهای عملی در زمینه ایجاد اشتغال و از بین بردن فقر، رفع فاصله طبقات اجتماعی و ایجاد عدالت اجتماعی زمینه های بروز اندیشه های مجرمانه و همینطور انگیزه های مالی و حتی انتقام جویانه و حقارت های اقتصادی که در اثر احساس فقیر بودن به افراد دست می دهد تا حد زیادی از بین برود. همچنین با دادن آموزش و آشنا کردن مردم با مضرات و لطمات فردی و اجتماعی مواد مخدر یا مواد روانگردان به مردم و آگاهی لازم به خانواده و مدارس از آلوده شدن افراد به این معضل جلوگیری شود. در این راستا نه تنها از مجرم شدن خود فرد جلوگیری به عمل می آید بلکه زمینه بروز انگیزه های مجرمانه بسیار خطرناک در فرد از بین خواهد رفت که بعد ها

^۱ گسن، ریموند، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل اجتماعی، به نقل از شاو، مارگوت، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، ترجمه عبدالرضا جوان جعفری، سید مهدی سیدزاده ثانی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۴۱۰

در اثر اعتیاد به این مواد ایجاد می شود. ب: پیشگیری رشد مدار یا زود هنگام: که به علل ارتکاب جرم از سوی کودکان و نوجوانان پرداخته می شود. نمونه ای از پیشگیری وضعی را می توان در فرمایشات حضرت علی (ع) مشاهده نمود که به فرماندار خود سفارش می کند نسبت به کارکنان خود همه مراقبت ها را انجام دهد. ایشان می فرمایند: «پس اعمال آنان را مورد بررسی و جستجو قرار بده و ماموران مخفی را که اهل راستگویی و وفاداری هستند به سوی آنان بفرست، زیرا مقید بودن تو به بازرسی و امور سری با ایشان آنان را به رعایت امانت و نرمی با مردم وادار می کند.»^۱ نظر دکتر نجفی ابرند آبادی در مورد پیشگیری وضعی چنین است: «پیشگیری وضعی عبارت است از اقدامات غیر کیفری که معادله جرم را برهم می زند و هزینه انجام بزه را بالا می برد، به نحوی که بزهکار بالقوه از ارتکاب جرم صرف نظر می کند. به بیان دیگر در پیشگیری وضعی هدف این است که به دنبال شناخت این واقعیت باشیم که خارج از بزهکاران و محیط های مجرمانه، چه موقعیت ها و وضعیت هایی در ذهن آنان و سوسه ارتکاب جرم را پدید می آورد تا با شناسایی آنها به پیشگیری از وقوع جرائم بپردازیم.»^۲ پیشگیری وضعی بیشتر توجهش به آماجهای بزهکاری است. به این معنا که با محدود کردن آزادیهای فردی از طریق محاصره و تحدید فضاهای اجتماعی و محیط های عمومی و با حضور نهاد های متولی امنیت و مشارکتهای محلی به حمایت از کسانی می پردازد که امکانات مادی لازم برای ایمن سازی خود و اموالشان از محیط را ندارند و از کسانی که بیشتر در برابر آماج بزهکاری هستند حمایت می کند. در پیشگیری اجتماعی توجه بیشتر به محیط اجتماعی و جایی که انسان در آنجا رشد و تکامل پیدا می کند هست که محیط اجتماعی خود به چهار گروه تقسیم می شود: الف: محیط اجباری: که شخص به طور اجتناب ناپذیر در آن زندگی می کند، مانند خانواده و خانه ب: محیط شخصی اتفاقی: که انسان به صورت اتفاقی در آن قرار می

^۱ همان، صفحه ۴۱۲

^۲ سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات مفاتیح القرآن، چاپ اول، ۱۳۸۷، نامه ۵۳

^۳ نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، صفحه ۴۰۸

^۴ در آمدی بر علوم جنایی- مقاله پیشگیری عادلانه از جرم علی حسین نجفی ابرند آبادی، صفحه ۵۸۳

گیرد مانند اداره، مدرسه ج: محیط شخصی انتخابی: مانند استادیوم ورزشی که افراد با انتخاب خود به آنجا می روند. د: محیط شخصی تحمیلی که بر افراد تحمیل می شود و اراده آنان هیچ نقشی در انتخاب آن ندارد مانند زندان. در پیشگیری وضعی به کاهش فرصت های ارتکاب جرم و زمینه های وقوع یک جرم توجه می شود. در این نوع پیشگیری موضوعی که مهم است دو عامل مراقبت و نظارت است. اقداماتی نظیر نصب دوربین مدار بسته در مغازه ها و معابر، استفاده از کارت به جای پول نقد، علامت گذاری دام ها، گشت های شبانه پلیس و... از جمله اقدامات پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار است.^۱

بخش چهارم: مبانی تعدیل گرایش های مجرمانه با تکیه بر باورهای دینی

بند اول: مبانی فردی

پدیده جنایی که در متن جامعه رخ می دهد زائیده فعل انسان است و به عنوان یک واقعیت انسانی شناخته می شود. واقعیت انسانی به این معنا که عمل جنایی از موجودی به نام انسان سر می زند نه اشیاء و یا حیوانات، بلکه این موجود انسانی است که از اراده و شعور برخوردار است و یک پدیده مجرمانه در نهاد انسان شکل می گیرد و باید در برابر عمل خود پاسخگو باشد. البته که نباید دیدگاه واقع گرایانه را نیز از منظر دور نگاه داشت و نقش عوامل پدید آورنده وقوع جرم شامل وراثت، محیط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر عوامل زمینه ساز ارتکاب جرائم را از یاد برد.^۲ در این فصل بحث از موجودی به نام انسان، هویت وجودی وی، ایمان او به باورها و تاثیر این باورها بر روی روش و منش آدمی است. بحث از کشاکشی است که در درون بین باورهای مومنانه با گرایشات مجرمانه در غلجان است.

بند دوم: باورهای دینی و هویت یابی انسانی

^۱ همان، صفحه ۲۱

^۲ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵، صفحه ۲۸

«قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا: بگو هر کس بر طینت خود عمل می کند پروردگارتان داناتر است که چه کسی به راه راست هدایت یافته تر است.» از دیدگاه قرآن انسان موجودی است که بر شاکله و طینت خود عمل می کند. همواره هویت و کیستی آدمی اولین پرسشی است که بعد از چیستی هر انسان مطرح می گردد. اینکه هر فرد بداند در درون او چه می گذرد، به چه چیزهایی علاقه دارد، از چه مسائلی به دور است، اینکه به چه احساس و گروهی تعلق دارد خود داستانی مفصل است. شناخت خود و هویت یابی انسان یکی از مهمترین تاکیداتی است که همواره دین بر آن پای فشرده است. این که انسان عالم کبیری در درون خود دارد و یک جهان کوچک است و باید قدم به سرزمین ناشناخته خویش بر دارد و به کشف سرزمینهای وجودی و استعدادهای بکر خود دست یابد. از امام محمد باقر (ع) در تحفه العقول نقل است که می فرمایند: «هیچ شناختی همچون شناخت خویشتن خودت نیست» یا در سخنان حضرت علی (ع) در غرر الحکم آمده است: «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ، مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ: برترین معرفت، شناخت آدمی است خویشتن خود را»^۱ همانطور که می بینیم با توجه به این احادیث و روایات جایگاه خودشناسی و هویت یابی در دین بسیار مهم است به طوریکه هر کس باید به خودشناسی و یافتن هویت خویش بپردازد. البته دین در این راه روشهایی را نیز معرفی می کند. خداوند عالم در آیات متعدد در قرآن کریم از خلق انسان گرفته تا بعد از آن چنان اهمیت و مقامی برای انسان قائل شده است که "من" حقیقی انسان را بسیار والا جلوه می دهد. جایی او را خلیفه خود در زمین می نامد: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ الْمَلَائِكَةُ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً: و چون پروردگار تو به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.» در ادامه فرشتگان اعتراض می کنند و خداوند در پاسخ می فرماید: «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ: (فرشتگان) گفتند: آیا کسی را می گماری که در آن تباهی کند و خونها بریزد؟ و حال آنکه ما با

^۱ اسراء/ ۸۴

^۲ غرر الحکم، به نقل از سیری در تربیت اسلامی، دلشاد تهرانی، مصطفی، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، صفحه ۶۳

ستایش، تو را تنزیه می کنیم، و به تقدیس می پردازیم. فرمود: من چیزی میدانم که شما نمی دانید.^۱ در جایی به آدم تمام اسماء را آموخته است انسان مقامی دارد که خداوند از روح خود در او دمیده است،^۲ و آسمان و زمین را مسخر او گردانیده^۳ و اینکه او را به بهترین وجه آفریده است.^۴ حال این انسان با این مشخصات باید صفات عالیه خود را پیدا کند، تن به هر رذیلتی ندهد، و من واقعی و قدسی او در پرتو دین پیدا می شود. تمام مکاتب تا جایی ماهیت انسان و خواسته های او را برآورده می کنند اما این دین است که جامع تمام صفات و شاکله اصلی شخصیت انسان را معین نموده و دستور العمل آن را در فطرت او نهاده است. یکی از رسالت های انبیا و اهداف دین، دادن بینش و ایجاد یک شخصیت مستقل و واحد و همچنین هویتی پایدار به افراد است. اینکه این هویت شکل گرفته و سالم با هر بادی به سمتی خم نگردد و روان فرد استوار بماند از اهداف انبیاء الهی است. اینکه انسان از خود وجودیش حقیقتی والا و برتر از همین شهوات و دنیاگرایی احساس کند و این عوامل مادی را در خدمت ساختن روحی بزرگتر قرار دهد. به طور مثال حضرت یوسف تنگنای زندان را از کاخهای مجلل و آلوده به گناهان و فریب ها بهتر می داند: «رَبِّ اَلْسَجْنُ اَحَبُّ اِلَیَّ مِمَّا یَدْعُوْنِیْ اِلَیْهِ» زیرا هویت و روح آزاد او بر یک مبنای درست و منطقی و راهی استوار برخوردار است که هر گونه فریب خللی در ایمان راسخ او به وجود نیاورد. که یوسف، اگرچه برده بود و از خود هیچ نداشت و در مقابل زنی زیبا و دارای مقام قرار گرفته بود و در آن لحظه هم کسی جز آن دو نفر از موضوع اطلاعی نداشت، اما با آزادگی تمام تقاضای زلیخا را رد می کند و می گوید که اگرچه که من بنده هستم اما تن من برده است ولی روحم آزاده می باشد و بنده هوی و شهوت نیست. پس

^۱ بقره/ ۳۰

^۲ بقره/ ۳۱

^۳ الحجر/ ۲۹

^۴ الرعد/ ۲

^۵ تین/ ۴

^۶ یوسف/ ۳۳

زندان را به این جایگاه مرفه ترجیح می‌دهم. ساختن چنین فردی با درجه بالایی از ثبات و اطمینان از هدف‌ها و دستاوردهای دین و باورهای دینی است که به راحتی در برابر مسائل و خواسته‌های گوناگون تسلیم نگردد.

بند سوم: هویت یابی انسانی و تعدیل گرایش‌های مجرمانه

اریکسون در تعریف یک هویت موفق می‌گوید: «اكتساب هویت اطمینان و اعتماد فزاینده‌ای است که با توانایی فرد برای حفظ همانی و تداومی که فرد برای دیگران دارد مطابقت می‌کند.» این شخص بتدریج افکار را درباره خود وجودیش یکنواخت می‌کند، هرگونه هویت دیگری یا بیگانه‌راهزنی را نفی کرده و به یک "من واحد" دست پیدا می‌کند. اینگونه افراد در شرایط متفاوت و سخت زندگی روحیه خود را نمی‌بازند و از راه حل‌های دم‌دستی و پرخطر برای انجام کارهایشان استفاده نمی‌کنند. در برابر حوادث انعطاف دارند و در برابر جرم مقاومت زیادی نشان می‌دهند. کسانی که دارای چنین هویت مستقلی هستند عملکردی منطقی در برابر عوامل فشارزا از خود بروز می‌دهند و به عقاید دیگران در مورد تصمیم‌گیری خود کمتر اعتنا می‌کنند. این افراد خود فرمان بوده اغلب احساس خوب و مثبتی دارند، و در شرایط اضطراب و خطر با اعتماد به نفس به مسائل می‌نگرند. از نظر چنین فردی "من" یک انتخاب است که به او اجازه می‌دهد واقعیت‌های خارجی را به نوعی درک و هزم کند که اضطراب او کاهش یابد.^۱ انسانی که به این وجود یکدست و من واحد دسترسی می‌یابد کمتر به سمت خلاف و انحراف تمایل نشان می‌دهد چون با داده‌های ذهنی و هویتی او تطابق نمی‌کند. روانش دارای یک ثبات و لنگرگاهی است که به این سو و آن سو نمی‌رود. در اکثر

^۱ محمد قاسمی، حمید، روشهای تربیتی در داستان‌های قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹، صفحه ۱۷۵

^۲ رجب پور، عراز گلدی، رابطه سبکهای هویت با سلامت در دانش آموزان دوره متوسطه شهر گرگان، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکز، ۱۳۸۶، صفحه ۲۲-۲۵

(*) برای مطالعه بیشتر رک: به: محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، انتشارات طهوری، چاپ ششم، ۱۳۸۶، صفحه ۱۵۲

جرائمی که رخ می دهد مجرم بلافاصله بعد از آن ممکن است بگوید در آن لحظه خودم نبودم، یک لحظه از خود بیخود شدم، همه چیز از کنترل من خارج شد. اینها همه به علت عدم داشتن یک هویت پایداری است که حتی در مواقع بحران انسان را از طوفان های جرم و انحراف مصون دارد. امروزه با برداشته شدن اکثر مرزهای انسانی و ارتباطات رو به گسترش آدمیان و قرار گرفتن در مقابل آماج اطلاعات و تکرر و تنوع افکار انسان گاهی دچار چندگانگی می شود. در حوزه جرم شناسی یکی از مباحث مهم در روانشناسی جنایی و یکی از عوامل موثر در وقوع جرائم، بحران هویت و هویت یابی انسانی و تزلزل در شخصیت افراد است. اینکه فردی بدون شناخت از خود و گروه به دنبال هویت می گردد و اگر کسی در درون خود پیدا نکرد لاجرم به سمت گروه های هویت سازی می رود که اکثراً نتیجه ای جز تباهی و سیاهی ندارد. عضویت در گروه های زورگیر و یا اعتیاد افراد می تواند از زمره این جرائم باشد. خصوصاً در بزهکاران هیجانی و اتفاقی این عدم ثبات در هویت بیشتر دیده می شود.

بخش پنجم: تاثیر باورهای دینی در هویت یابی انسانی

در تعالیم اسلامی یکی از مهمترین مسائلی که باعث از خود بیگانگی می شود وابستگی به دنیا و اشیاء موجود در آن است. این امر باعث می شود که شخص کمکم هویت وجودی خود را از دست بدهد و تبدیل به چیزی شود که تماماً وابسته به اوست. چنین شخصی نمی تواند پله های ترقی و کمال را طی کند و مدام به دنبال هویتی است که به وجود او معنا دهد. اصالت و هویت انسان در قرآن از خلیفه الهی او سرچشمه می گیرد. انسانی که از تمامی اسماء و حقایق آگاه است و با فطرتی توحیدی به پروردگارش ایمان و باور دارد. مظهر عالی ترین جلوه خداوند است. اشرف مخلوقات، و حامل روح او، دارای خلقتی دقیق و حساب شده که با انتخاب صورت گرفته است و با اینکه در آمدن او به این دنیا خودش تصمیم نگرفته ولی در عین حال دارای اراده و اختیار است. می تواند حسن و قبح را تشخیص دهد و به آن عمل کند. امانتدار

^۱ جمال لیوانی، علی رضا، مقایسه مبانی و اهداف تعلیم و تربیت اسلام با لیبرالیسم، پایان نامه کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت اسلامی، مرکز آموزش عالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم، ۱۳۸۱، صفحه ۲۷۰

خداوند است. به او اختیار و الهام و آگاهی داده شده که دو راه را برگزیند سعادت یا شقاوت را، ملکوت اعلی یا اسفل السافلین را. ارزش انسان در قاموس قرآن با توجه به تعریف هویت و اصالت او از عالترین ارزش ها، تجلیگاه با شکوه ترین منزلتها، مسجود فرشتگان، که معرفت به خداوند موجب پی بردن به هویت و اصالت او می شود. انسان ها با الهام فطری که در آنها نهاده شده زشتیها را باتمام ابعادش و زیباییها را در تمامی نمودش در می یابند. آری این سیمایی است که دین از انسان تصویر می کند و انسان مومن به راحتی می تواند هویت وجودی خویش را بشناسد و در مسیری که برای او تعیین شده است گام بردارد. او دیگر سردرگم هزاران عقیده و باور متفاوت نیست. دیگر تکه ای از وجودش را از فلان فلسفه و فلان عقیده در نمی یابد. دین با ارزشگذاری بر روی انسان و داشتن برنامه و هدف مشخص و با استدالات عقلی و فطری در پیدا کردن هویت کار را برای او راحت کرده و توانسته بسیاری از سوالات بی پاسخ بشر را پاسخ گوید. هرگاه فرد در یافتن هویت خود تردید کرد و ثبات هویتی خویش را نیابد دچار نوعی سردرگمی، بی هدفی، باری به هر جهت بودن، و به نوعی افسردگی ناشی از عدم ثبات در شخصیت خود می شود. در عین حال در ذهنش یک تصویر منفی از خودش شکل می گیرد که به اینها بحران هویت گویند.^۱ در معارف اسلامی انسان هنگامی که به خدا می پیوندد کامل می شود و شخصیت اصلی خویش را می یابد. هویت انسان در گرو خداشناسی اوست و هرچه معرفت او بیشتر ثبات شخصیت و هویتی او نیز بیشتر. انسان از خود بیگانه انسانی است که خدا را فراموش کرده و تصویری نادرست و موهوم از خود داشته باشد. خودفراموشی به این معنی نیست که انسان خوابش ببرد و خودش را بیاد نیاورد بلکه به این معنی است که انسان دیگر خود وجودیش را به خاطر ندارد، استعدادها، تواناییها، آرزوها، اهدافش را فراموش کند و مدام در جستجوی هدف باشد. انسانی که تلاش و کوشش او صرف غیر می شود یعنی عملاً حامل غیر و خادم غیر می شود. از جمله نتایج آن این است که زحمت و مشقتش برای او سودی ندارد. از دیگر موارد دیگری که انسان از خود بیگانه به آن دچار است عدم استقلال

^۱ رجب پور، عزاز گلدی، رابطه سبکهای هویت با سلامت در دانش آموزان دوره متوسطه شهر گرگان، صفحه ۳۷

است. عدم استقلال به معنای تهی بودن از خود. یعنی اینکه در وجود ما نقشها و هویت های دیگری بنشینند و انسان را هدایت کنند. کسی که خدا را فراموش می کند ناچار به غیر خدا روی می آورد شخص از خود و هویتی که باید باشد و راهی که دین برای او ترسیم کرده فاصله می گیرد، غیر را به خانه خود دعوت می کند، دشمن را به جای دوست می نشاند و راهی بسوی فنا و نابودی در پیش می گیرد. خود بی خدا قطره ای از دریاست که، «قطره با دریاست گر با دریاست» محدود در کنار نامحدود است که معنا پیدا می کند و خود به تنهایی معنایی ندارد. لذا انسان در قرآن و معارف اسلامی هنگامی که به خدا پیوست شخصیت و هویتش کامل می شود و مسخ و از خود بیگانگی انسان به دلیل فراموش کردن خداوند است. ^۱ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ: همچون آنان نباشید که خدا را فراموش کردند پس خداوند آنان را از خویشتن خودشان غافل ساخت و به فراموشی افکند آنان همان فاسقانند.» عبادت و دعا به درگاه خداوند نیز نقش موثری در بازیابی خود انسان ایفا می کند عبادت بیدار کننده انسان است. آدمی در عبادت کردن خود را همانگونه که هست می بیند و به نقصها و ناتوانی خود آگاه می گردد. اقبال لاهوری نیز در مورد ارزش پرستش و نیایش در باز یافتن حقیقت خود می گوید: «نیایش وسیله اشراق نفسانی، عملی حیاتی و متعارفی است که بوسیله آن جزیره کوچک شخصیت ما وضع خود را در کل بزرگتری از حیات اکتشاف می کند.» از خود بیگانگی گاهی به دست خود انسان و گاهی بدست دیگران و با غفلت از خود پیش می آید. انسان فراموش می کند که به چه چیز تعلق دارد، سمت روحیاتش کجاست، علایق او چیست. در امور اجتماعی نیز جامعه ای که از خود غافل شود استثمارگران در صدد تعیین هویت او بر می آیند و او هم بناچار این هویت را می پذیرد. در قرآن از خود بیگانگی تحت عنوان نسیان نام برده شده است. «وَقُلْ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ: امروز

^۱ عزیزی، خداداد، انسان شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران

مرکز، ۱۳۷۸-۱۳۷۹، صفحه ۱۷۶-۱۸۰

^۲ همان، صفحه ۱۸۴

ما شما را فراموش می کنیم همانطور که شما ما را فراموش کردید.»^۱ تعبیر دیگری که قرآن برای از خودبیگانگی در نظر می گیرد شیطان است. در جاهای مختلف قرآن از شیطان به عنوان عامل اصلی از خود بیگانگی یاد می کند و بی جهت او را عدو^۲ مبین نخوانده است، چون دشمن اصلی انسان است. گاهی چنان شیطان در شخصیت و اعمال آدمی نفوذ کرده که استقلال شخصیت خود را از دست می دهد. وقتی شیطان در اندیشه آدمی خانه کرد و آدم از خطوات او پیروی نمود جای دوست دشمن را در دل می گیرد و دزد جای امین را^۳ پس: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ هُمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ: خداوند از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم و از تو می خواهم که نگذاری نزد من حاضر شوند.»^۴ هدف مشترک دین و جرم شناسی نیز در این حوزه ساختن انسانهایی است که در مقابل هر موقعیت خطر آفرین و هر محیط مستعد بزه و گناه به راحتی آلوده این عوامل نگردند.

بخش ششم: تعدیل و پیشگیری ثالث از گرایش مجرمانه

بند اول: توبه

احساس گناه، باعث کمبودها و نقایصی در انسان می گردد. اگر انسان دائم در همان حالت گناه بماند نه تنها حال خود را از دست می دهد بلکه ممکن است که به انواع دیگر گناه نیز آلوده گردد. اما دین راه حلی برای خلاصی از این حس گناه و بازگشت فرد به اجتماع و دادن فرصت دوباره به افراد، نهادی به نام توبه را قرار داده است. این امر باعث می شود که دوباره فرد در دام گناه گرفتار نشود و اعتماد به نفس و احساس رضایت را دوباره در خود ببیند و احساس کند که می تواند گذشته اش را جبران نماید که به تثبیت و آرامش انسان منتهی می گردد.^۴

^۱ جاثیه/ ۳۴

^۲ همان، صفحه ۱۸۷

^۳ مومنون ۹۸/۹۷

^۴ عباس نژاد، محسن، قرآن روانشناسی و علوم تربیتی، مشهد، موسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۰، صفحه ۱۳۴

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ: خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد و پایین تر از آن را برای هر کس که بخواهد می بخشد.»^۱ و این آیه که نشان از رحمت و بخشش بی منتهای الهی دارد که می فرماید: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنِ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ: هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند به آنها بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود فرض کرده، هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند سپس توبه و اصلاح (جبران) نماید، او آمرزنده مهربان است.»^۲ از این آیات و آیات دیگر در باب توبه نتیجه می گیریم که هیچ انسانی نباید در خود احساس گناه مداوم و عدم بخشش از جانب خداوند نماید بلکه همواره امید به بخشش از سوی خداوند باید داشته باشد.

بند دوم: تاثیر توبه در سقوط مجازات

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا توبوا إِلَى اللَّهِ توبَةً نَصُوحًا: ای کسانی که ایمان آورده اید بسوی خدا توبه کنید: توبه خالص.»^۳ توبه در لغت به معنای بازگشت از گناه و ندامت و پشیمانی از انجام آن و در اصطلاح عبارت است از ترک گناهان کنونی و عزم بر ترکشان در آینده و تدارک تقصیر گذشته.^۴ توبه از بنیادهای حقوق جزای اسلامی است. اسلام در راستای بازگرداندن مجرم به جامعه و ندامت از کرده خود و به خاطر رعایت مصلحت و اعمال سیاست کیفری مناسب راهی معین نموده که در صورت توبه فرد مجازات او منتفی گردد. توبه در قوانین اسلامی از معاذیر معاف کننده قانونی است. به این معنا که مجرم دارای تمام شرایط مسئولیت کیفری است و عملی را هم که انجام داده است جرم می باشد، اما رعایت پاره ای از مصالح مانع مجازات فرد

^۱ نساء/ ۴۸

^۲ انعام/ ۵۷

^۳ تحریم/ ۸

^۴ عابدی تلوکلانی، محمد رضا، مطالعه تطبیقی تاثیر توبه در اسقاط مجازات در حقوق کیفری ایران و فقه اسلامی، پایان نامه

می‌گردد که آنهم از باب رأفت اسلامی و دادن فرصت دوباره ای به مجرم انجام می‌شود.^۱ یکی از عوامل اصلی سقوط مجازات‌ها توبه است. از لحاظ فقهی توبه و آثاری که بر روی جرم می‌گذارد به دو دسته تقسیم می‌شود. توبه ای که مابین خدا و انسان نسبت به گناهی که انجام داده می‌باشد، مثلاً گناهی که موجب زائل شدن حقی از دیگران یا ثبوت حدی از حدود الهی نمی‌شود، بلکه به خود گناهکار مربوط شده و به بیرون از شخص او سرایت نمی‌کند مانند حسادت، دروغ‌گویی و ... در اینصورت اگر گناهکار توبه نماید و عزم کند که دیگر به آن کار برنگردد اثرات توبه بر آن بار می‌شود (که به آن توبه باطنی نیز می‌گویند). یا گناهی که موجب ثبوت مالی از حق الناس یا حق الله می‌گردد مانند ترک زکات، یا از بین بردن آبروی کسی یا غیبت کردن در این صورت توبه زمانی محقق است که حقی را که بر ذمه اش است بپردازد.^۲ در فقه اسلامی و در آیات قرآن کریم در صورتی که شخصی پس از ارتکاب جرم و پس از اثبات به وسیله اقرار یا بینه توبه نماید، مجازات ساقط می‌شود. در تقسیم بندی کلی جرائم در فقه به جرائم حق الهی و حق الناسی تقسیم می‌شود، در پذیرش توبه در جرائم حق الناسی تردید وجود دارد ولی خداوند خود وعده عفو در قبال توبه از جرائم حق الهی را داده است. جرائم حدی توبه متهم قبل از اثبات جرم و احرار ندامت او برای قاضی حد را ساقط می‌گرداند. تنها حدودی که شامل آن نمی‌شوند قذف و محاربه هستند، ولی باید توجه داشت که توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد خواهد بود. (بند ۱ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی) در قانون ایران پس از اثبات جرم حدی غیر از قذف در صورتی که جرم با اقرار ثابت شده باشد و مرتکب توبه نماید دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از رهبری تقاضا کند. یا مرتکب به عفو، اکراه یا اغفال مرتکب زنا یا لواط گردد، در صورت توبه و سقوط مجازات حدی، به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. (بند ۲ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی) در ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت، چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و

^۱ همان، صفحه ۵۵^۲ همان، صفحه ۱۶

اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می شود. در سایر جرایم موجب تعزیر، دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید. احراز تحقق توبه به عنوان یکی از معاذیر معاف کننده با قاضی است و در صورت احراز آن قبل از ثبوت جرم حد ساقط می شود.^۱ البته بر طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۱۷: در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد، و به ادعای مرتکب اکتفا نمی شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است، سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می شود. پس مشاهده می کنیم که صرف توبه زبانی برای سقوط مجازات کافی نیست و مرتکب باید به صورت عملی نشان دهد که از کاری پشیمان گشته است و از آن نادم است. حتی در قانون مجازات سال ۹۲ برای تظاهر به توبه نیز ضمانت اجرا در نظر گرفته شده و علاوه بر لغو سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده در مجازات تعزیری به حداکثر آن مجازات نیز محکوم می گردد.

بند سوم: آثار اصلاحی - تریبیتی توبه

«قَالَ رَبُّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ يَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» گفتند پرودگارا به خودمان ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و به ما بخشش ننمایی هر آینه از زیانکاران بوده ایم. توبه راهی است برای بازگشت و راهی برای جبران خسارت، اینکه آدمی بگوید: «قَالَ رَبِّ أَنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ» خداوند را به نفس خود ستم کردم پس مرا بیامرزد، پس خداوند او را آمرزش کرد.^۲ اینکه فردی از اعماق وجود از کاری که کرده است پشیمان و نادم باشد و مصمم باشد که دیگر سمت انحراف و جرم نرود هدفی است که به سختی می توان با مجازات

^۱ گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چاپ هفتم، ۱۳۸۶، صفحه ۱۰۲ و ۲۵۰

^۲ اعراف/ ۲۳

^۳ انبیاء/ ۲

به عنوان یک عامل بازدارنده ثانوی به وجود آورد. هیچ اقدام تأمینی و تربیتی نمی تواند اینگونه انقلابی در درون فرد ایجاد کند و هیچ سیاست جنایی نخواهد توانست اینگونه این فرد را نسبت به گناه و جرم مصون بدارد. و هیچ عدالت ترمیمی نخواهد توانست به جبران زیان زیان دیده از سوی مقصر و بزهکار اصلی پردازد. چگونه که خود فرد از این مکانیزم دینی به جبران حقی که ضایع کرده است می پردازد. توبه نقش موثری در سعادت و تکامل انسان دارد و می تواند از موارد پیشگیری اولیه قرار گیرد. یکی از مهمترین اهداف تربیت اسلامی اصلاح رابطه انسان با خویش است. اینکه انسان دوباره با خود آشتی کند و خود را بشناسد تفکر و عقل خود را اصلاح کند و بر وجود او به معنای واقعی عقل حاکم باشد نه نفس. دوباره با درس گرفتن از گذشته و شناخت استعدادهای نهفته خود راه سعادت و تکامل را در پیش بگیرد و خیر دنیا و آخرت را برای خود داشته باشد. بدین ترتیب اصلاح خود و بازگشت به خود فطری و تربیت دوباره نفس از اهداف مهم تربیت در دین است. در ماه هایی مثل رمضان که انسان به خدا نزدیکتر می شود فرصتی برای بازگشت از راه ناصواب و برگشتن از آنچه که تا کنون آدمی بوده است دست می دهد. این مراسم که به طور مرتب و سالانه و یا در هر نوبتی از زمان برگزار می شود خود نشان از وجود فرصتی برای بازگشت و توبه برای افراد است. در ماه رمضان فضای معنوی که در جامعه حاکم می شود بر فضای روانی اجتماع نیز تاثیر کرده و توبه فردی، روند اجتماعی به خود می گیرد. یعنی اجتماع نیز راه برگشت از بی عدالتی و انصاف و خلاف شرع و عقل را در پیش می گیرد که از آن تعبیر به اصلاحات اجتماعی می کنند. توبه واقعی مانع تمایل انسان به سمت انحرافات می گردد زیرا اولین شرط توبه پشیمانی از اعمال گذشته است. توبه به عنوان درمانی برای بیماری های روحی نیز به کار می رود. همانطور که جسم به بیماری ها و امراض مختلف دچار می شود روح نیز به انواع بیماری ها و انحرافات دچار می شود که باید درمان شود و لذا برای واکسینه شدن روح باید از دارویی به نام توبه

^۱ خباز شیروان، زهرا، آموزه های تربیتی در مثنوی و تطبیق آن با روانشناسی نوین و معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و

ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد تربت حیدریه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، صفحه ۳۷

^۲ مسببی، رمضانعلی، بازگشت به خویش یا توبه نصوح، قم، انتشارات جامعه القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۳۷۹، صفحه ۳۵

استفاده نمود.^۱ توبه نه تنها باعث تعدیل و آرامش درونی و غلبه بر گرایش های مجرمانه فرد می گردد بلکه حتی باعث عدم تمایل واقعی به برخی از جرایم نیز می گردد به طوریکه فرد در برابر بعضی از جرایم واکنش می گردد. در این مسیر فرد با خود و خدایش عهد می بندد که دیگر گرایش مجرمانه بر این روح مومانه غلبه نکند. زیرا انسانی که عمل مجرمانه یا گناهی انجام می دهد باعث غلبه حیوان وجودیش بر فرشته روحانیش می شود و باعث می شود که دیوی که در درون دارد بر آن فرشته مسلط می گردد.

بخش هفتم: بازسازی اجتماعی بزهکار

«وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ ذُنُوبَهُ لَا هُمْ يَصِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ.» (و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و بر آنچه مرتکب شده اند، با آنکه می دانند [گناه است] پافشاری نمی کنند.)^۲ کسی که توبه می کند به نوعی هجرت می کند، هجرت از گناهان، زیرا دیگر مقیم آن اعمال و کردار نیست و مثل یک مهاجر روحش به سوی یک موقعیت جدید و دور از فعل بد در گذشته در حرکت است. به همین دلیل انسانها وقتی توبه می کنند یک مهاجر هستند. نمونه های زیادی وجود دارد که در زندگی به این سفر درونی قدم گذاشته اند از جمله آنها فضیل عیاض یا بشر حافی که اولی پادشاه و دومی دزد و راهزن بودند که بواسطه شنیدن و یا دیدن یک نشانه تصمیم به ترک دیار گناه و معصیت گرفتند و راه سعادت و ماندگاری را در پیش. فضیل عیاض مردی بود که قطاع الطريق بود و بر مردم راه می بست و اموال آنان را به غارت می برد طوری که مردم از دست او آسایش نداشتند، یک شب از دیوار بلندی به قصد

^۱ علمشاهی، محمد ولی، توبه در قرآن و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، تهران

مرکز، ۱۳۷۷، صفحه ۴۵

^۲ آل عمران/ ۱۳۵

دزدی بالا رفت و بر روی آن نشست و وقتی خواست پایین بیاید صدای مرد عابد و زاهدی را شنید که قرآن می خواند. اتفاقاً به این آیه رسید که: «الَّذِينَ آمَنُوا ان تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ أَيَا وَتَأْتِيهِمْ بَیِّنَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَخْلِفُونَ عَهْدًا» (انگار که این آیه به او وحی شده باشد و مخاطب شخص او باشد، پاسخ داد که آری وقت آن رسیده است. او از دیوار پایین آمد و دیگر دزدی و شراب و قمار نکرد و بعد از آن یک فرد عابد و متقی شد به طوری که ما او را امروزه به عنوان یکی از نمونه انسانهای عابد و زاهد روزگار خود می شناسیم.^۱ اما در اینجا باز هم یکی از مکانیزم های موثر باورهای دینی به نام توبه را ملاحظه می کنیم. با چه تعلیم و تربیت و مکانیزمی می شد یک سردسته راهزن و کسی که آسایش دیگران را سلب می کند را به یک فرد عابد و یک انسان به هنجار تبدیل کرد؟ که نه تنها دیگر به کارهای گذشته باز نمی گردد که خود یکی از اهداف عالی جرم شناسان و جزا دانان است که در باز پروری و باز اجتماعی کردن فرد بزهکار موثر واقع می گردد از سوی دیگر خود او به عنوان فردی الگو و نمونه می کوشد تا دیگرانی را گرفتار هستند رهایی بخشد و این از مکانیزم های باورهای دینی است. دلیل موفقیت آن هم این است که افراد در فطرت و ضمیر خود نا آشنا با این مسائل نیستند، اما غبار فراموشی و توجیهات و دلایل واهی آنان را به سمت ارتکاب جرم می کشاند و به همین دلیل با تلنگری، یادآوری و نهادی به نام توبه دوباره فرد در مسیر درست و بهنجاری باز می گردد. تفاوت دیگر این است که در توبه بر خلاف مجازات ها فرد مأیوس از اینکه دیگر آب از سر او گذشته نیست و همیشه یک راهی برای بازگشت وجود دارد. بر خلاف مجازات ها که به محض وقوع فعل مجرمانه مجازات بر فرد بار می شود و راهی برای خلاصی از آن وجود ندارد. یکی از اهداف مهم تربیت اسلامی آشتی انسان با خود و اصلاح رابطه با خودش است. انسان ابتدا باید با خود آشتی کند تا بتواند با دیگران به آشتی برسد. کسی که با خود آشتی کند بیشتر به درون خود نظر می کند و در پی یافتن استعداد های

^۱ حدید ۹

^۲ مطهری، مرتضی، آزادی انسان، تهران، انتشارات مکتب صادق، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، صفحه ۱۷۲) (*ر ک به تذکره الاولیاء، فرید الدین عطار نیشابوری

خودش است، چنین فردی اگر هم از مسیر سعادت و کمال دور شده باشد بار دیگر می تواند به جاده سعادت باز گردد. انسان باید این حقیقت را درک کند که رستگاری او به تزکیه نفس او مرتبط است و باید برای اصلاح خود بکوشد آنگاه می بیند که جامعه نیز آغوش دوباره خود را برای او باز کرده است.^۱ در مکتب دفاع اجتماعی که بیشتر اجتماع مهم است تا افراد، به بازسازی افراد و اجتماع پذیری آنها بسیار توجه شده است، زیرا با سازگاری مجدد این افراد و بازگشت آنان به اجتماع خطر دوباره وقوع جرم از ناحیه آنان بسیار محدود می شود. یکی از این راهکارها گذشت از مجرم با وجود علائم پشیمانی در او می باشد. «قرآن کریم نیز از وسیله بودن مجازات برای رسیدن به هدفی والا تر خبر می دهد، که خود مجازاتها اصل نیست بلکه سودی که عاید اجتماع و فرد مجرم می شود مد نظر قرار دارد.» «مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَ ءَامَنْتُمْ: خداوند چه نیازی به مجازات شما دارد، اگر شکرگذاری کنید و ایمان آورید»^۲ مکتب "پراگماتیسم کیفری" به منظور آسیب زدایی از جامعه تلاشهای گسترده ای را برای باز اجتماعی کردن بزهکار انجام داد. به طور کلی رویکرد این مکتب در شناسایی آسیب هایی که جامعه را تهدید می کند راه را برای اصلاح و اجتماعی کردن افراد بزهکار باز کرده و از این طریق جامعه را از آسیب ایمن می کند. در مکتب دفاع اجتماعی نوین نیز تلاش برای شناسایی عوامل آسیب زا ادامه یافت و اصلاح بزهکار پس از در اختیار گرفتن دستگاه قضایی مد نظر قرار گرفت. این مکتب در صدد آن است که ساز و کارهای لازم را برای انجام دوباره جرم توسط بزهکار مد نظر قرار بگیرد و همانطور هم که از اسمش پیداست دفاع از اجتماع و منافع اجتماعی برای او اصل است. از جمله راهکارهای عملی که این مکتب ارائه می دهد به گونه ای که به سمت کمرنگ تر کردن دستگاه عدالت کیفری نیز به پیش می رود، حذف کیفر، برنامه های اصلاحی در زندان، گونه های متفاوت زندان همچون باز و نیمه باز، تعلیق

^۱ خباز شیروان، زهرا، آموزه های تربیتی در مثنوی و تطبیق آن با روانشناسی نوین و معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد تربت حیدریه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، صفحه ۳۷

^۲ ابراهیم پور لیالستانی، حسین، گزیده هایی از حقوق جزا در قرآن، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۱۳۷

مجازات، تعویق محاکمه، آزادی مشروط، به کارگیری مجرم در عرصه های مختلف برای خدمت به اجتماع و... از جمله روشهایی است که به باز اجتماعی کردن بزهکار کمک می کند.^۱

بخش هشتم: اعاده حیثیت از مجرم

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ: آیا ندانستید که خداوند همان کسی است که توبه را از بندگانش قبول می کند و صدقات را می پذیرد بدرستی که خداوند مهربانترین توبه پذیرنده است.»^۲ در این بخش نظریه برجسب زنی (LABELING PROCESS) مورد بررسی قرار می گیرد. این اصطلاح را در جامعه با نامهای انگ زنی، معروف شدن به یک نام می شناسند. نخستین بار توسط تانن بام (TANENBAUM) در کتابی به نام "جرم و اجتماع" مطرح گردید. اساس این نظر بر این مبنا است که بخشی از جرائم توسط قانون و عمل پلیس و دستگاه قضایی به وجود می آید. ممکن است قانونگذار عملی را جرم اعلام کند اما جامعه آن را جرم نداند و در مرحله بعد پلیس هم با این افراد سلیقه ای برخورد کند و در تعیین مصادیق به تشخیص خود عمل نماید. یا به دلیل داشتن رابطه زیاد مورد توجه دستگاه عدالت کیفری قرار نگیرد. به همین دلیل تفاوتی میان بزهکاران و غیر بزهکاران بوجود نمی آید و تنها تفاوتشان این است که عده ای که گرفتار شده اند برجسب مجرم بودن می خورند. اثر دیگر برجسب زنی تاثیر روانی است که بر فرد و اجتماع می گذارد. کسی که برجسب بزهکاری خورده دیگر نمی تواند از زیر بار این برجسب بیرون بیاید و خود را در قالب همان عنوان مجرمانه می بیند و دیگران او را با آن عنوان در جامعه می شناسند. پس سعی می کند رفتاری کند که دیگران از او انتظار دارند و در قالب جدید بزهکارانه خود قرار می

^۱ همان، صفحه ۱۳۷-۱۴۱

^۲ توبه/ ۱۰۴

گیرد. قالبی که خود قانون و جامعه برای او ساخته است.^۱ حتی بسیاری از انحرافات و خرده جرائمی که ناخواسته بوجود می آید خود جامعه به فرد هدیه می دهد. فرضا کسی که یک یا دوبار مواد مصرف می کند جامعه به او به چشم یک معتاد نگاه می کند و انگ اعتیاد مادام العمر بر روی آن فرد باقی می ماند. به همین دلیل در اسلام آبرو و حیثیت افراد از جایگاه والایی برخوردار است. حتی اگر کسی مرتکب جرم یا گناهی شد باید به این فرد کمک کرد و در بسیاری از موارد مانند اعمال منافی عفت توصیه اکید به پوشاندن اشتباه و عدم اشاعه فحشا شده است. در مکتب اسلام عقیده بر این است که انسان دارای کرامت خدادادی است و مادام که با ارتکاب معاصی و نیز تعرض و تجاوز به حقوق دیگران این حق را از خود سلب نکند دیگران مکلف به رعایت حقوق او هستند. ولی اگر به حقوق دیگران به عمد تعدی و تجاوز کرد دیگر انسان آن انسان شریف که شایسته تکریم و تعظیم است دیگر نیست. لیکن، لعن و نفرینی که بزهکار برای خود خریده است بی پایان نیست. از این رو قانون اساسی که ملهم از تعالیم اسلامی است در اصل سی و نهم مقرر می دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» قوانین موضوعه نیز به تبع قانون اساسی به حفظ کرامت و حیثیت متهمان و محکومان دلالت دارد. رعایت شأن و مقام انسانی بزهکار در قلمرو اقدامات تامینی که هدف از آن رفع حالت خطرناک است به مراتب حساس تر است. زیرا در اجرای برخی از این اقدامات که جنبه درمانی دارند مانند ترک اعتیاد معتادان به مواد مخدر یا الکل و یا درمان بزهکاران مبتلا به بیماریهای روانی که مستلزم مداخله پزشکی است، به کار بردن هر شیوه ای حتی موثر پسندیده و سزاوار نیست. به این دلیل بعضی از کشورهایی که تا این سالها اقداماتی مانند سترون کردن بزهکاران جنسی یا برداشتن قسمتی از مغز معتادان را به منظور رفع حالت وابستگی معجاز می شمردند از آن پس این شیوه را منع کردند. سوالی که ممکن است برای اعمال مجازات

^۱ زراعت، عباس، درآمدی بر علوم جنایی، تهران، انتشارات جاودانه (جنگل)، چاپ اول، ۱۳۹۱، صفحه ۴۱۶ (*ر ک به وایت، راب، هینز، فیونا، جرم و جرم شناسی متن درسی نظریه های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۵، صفحه ۲۱۱)

پیش بیاید این است که مجرم باید تا چه زمانی عواقب عمل خود را تحمل کند و دور از جامعه قرار بگیرد، به هر حال جامعه در پی آن نیست که آن فرد را برای همیشه از خود طرد کند و از حقوق اجتماعی محروم نماید. به همین دلیل به انحاء مختلف سعی در باز اجتماعی کردن مجرم می نماید. در قانونگذاری های مختلف مدتی را برای محرومیت فرد از حقوق اجتماعی معین می کنند که بعد از آن مدت فرد می تواند به عنوان یک شهروند عادی به جامعه باز گردد.^۱

نتیجه گیری

انسان فی حد ذاته و در فطرت خویش دو گرایش دارد، یکی به سمت خوبی و خیر و دیگری به سمت بدی و شر. تصور انسانی بدون هر یک از این دو وجه متضاد دارای اشکال خواهد بود. کما اینکه باورهای دینی و آیات قرآنی موکد این مطلب است. در مورد گرایشات منفی غریزی، نه می تواند این گرایشات را به طور کامل حذف کند و نه می تواند عنان آن را از دست خارج کرده و بی مهابا آن را در اجتماع جولان دهد. اما نیروهایی در درون وجود دارد و یا اینکه انسان می تواند آن را به وجود آورد که با متعادل ساختن روان و کاهش گرایش به سمت وجه بد انسان و هدایت این گرایش ها به مسیر درست را هموار سازد. و دین و باورهای دینی با مکانیزم های خود که با فطرت و ذات وجودی انسانی نیز هماهنگ است می تواند بهترین وسیله برای نیل به این مقصود باشد. تمام روشهای پیشگیری از جرم دارای نقایص و مشکلاتی است. کما اینکه اگر هم در مقابل جرم این روشها موثر باشد در مقابل انحرافات کاملاً عقیم هستند و آن بازدارندگی درونی را برای افراد به وجود نمی آورند. چه اینکه این مسائل پیشگیری برای بیرون از وجود آدمی تهیه شده است حال آن که بستر هر جرمی در درون آدمی اتفاق می افتد. به علاوه اینکه در بازپروری و باز اجتماعی کردن مجرمان هم ناتوان است و فکری برای آن ندارد. و دست آخر اینکه هدف های نهادهای و مفاهیم جدید و مورد

^۱ نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، نشر دادآفرین، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، صفحه ۵۲۱

قبول جرمشناسان مانند عدالت ترمیمی و بزه دیده شناسی را برآورده نمی سازد. اما باورهای دینی به علت بی واسطه بودن و به دلیل همخوانی با درون آدمی و پذیرش فردی و مطابقت با فطرت افراد و تعیین مکانیزم هایی برای پاداش یا کیفر و همچنین پرورش دوباره بزهکار و باز اجتماعی کردن آن نقش بسیار موثری در تعدیلات فردی و اجتماعی و داشتن جامعه ای سالم ایفا می نماید. دین و باورهای دینی اگر به طور صحیح به افراد آموزش داده شود و مفاهیم آن به خوبی در درون افراد نهادینه گردد به طور ماندگاری در فرد باعث تعدیلات گرایشهای افراد می گردد. و سد محکمی در برابر جرائم و انحرافات است.

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- ابراهیم پور لیالستانی، حسین، گزیده هایی از حقوق جزا در قرآن، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۱

۳- اشنایدر، ریچارد، کچین، تد، برنامه ریزی (شهری) برای پیشگیری از جرم، ترجمه فرزانه سجودی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷

۴- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵

۵- ام. وولف، دیوید، روانشناسی دین، ترجمه محمد دهقانی، رشد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶

۶- آزرمی، معصومه بیگم، گناه زبان، تهران، تهذیب، چاپ چهارم، ۱۳۹۰

۷- آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و دررالکلم، ترجمه محمد علی انصاری، تهران، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، چاپ پنجم، ۱۳۸۷

۸- بی، ارل، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضافاضل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۸۱

۹- پارسا، محمد، زمینه روان شناسی نوین، تهران، بعثت، چاپ بیستم، ۱۳۸۳

۱۰- پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فن آوری، اخلاق کاربردی در ایران و اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۸۹

۱۱- تمپلار، ریچارد، قوانین زندگی، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، انتشارات ایران بان، چاپ دهم، ۱۳۹۲

- ۱۲- جلال الدین محمد، مولوی بلخی، مثنوی معنوی، قم، انتشارات سایه گستر، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، تهران، مرکز نشر اسراء، چاپ ششم، ۱۳۸۷
- ۱۴- چینیان، شهمیرزادی،، عبدالحسین، انسان از خدا جدا نیست، تهران، انتشارات راستی نو، ۱۳۸۶
- ۱۵- حنیف نیا، ابراهیم، گامی به سوی خدا، انتشارات نوروزی، گرگان، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۱۶- دواس، دی ای، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ۱۷- دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، مجموعه مقالات ارسالی نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، جلد اول، تهران، شرکت ناجی نشر، چاپ اول، ۱۳۸۹
- ۱۸- دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ هفدهم، ۱۳۸۲
- ۱۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد پنجم، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷
- ۲۰- راسمن، مارتین، تصویر سازی ذهنی، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، نقش و نگار، چاپ اول، ۱۳۸۱